بررسی

سرمایه‌داری علیه محیط زیست

نائومی کلاین از زمان انتشار مانیفست خود علیه جهانی‌سازی در کتاب «بدون لوگو»، یکی از صریح‌اللهجه‌ترین سخنگویان ترقی‌خواهی بوده است. او در کتاب مهیج و جذاب خود با عنوان «اخرین فرصت تغییر: سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی» که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده به تغییرات اقلیمی می‌پردازد و درباره نبردی حیاتی برای سرنوشت زمین می‌نویسد که در آن یا ما مهار سیاره زمین را از سرمایه‌داران که آن را ویران کرده‌اند پس می‌گیریم، یا شاهد از بین رفتن آنیم. کلاین در این کتاب گرمایش جهانی را هم یک بحران می‌داند و هم یک فرصت. آن هم در مقیاسی که تاکنون ندیده‌ایم: بزرگ‌تر از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، بسیار جدی‌تر از تهدید جنگ هسته‌ای و امپراتوری‌دندتر از جنبش‌های حقوق مدنی و ضدجنگ. به اعتقاد او «هنوز زمان داریم که از فاجعه گرمایش زمین جلوگیری کنیم ولی نه در چارچوب احکام سرمایه‌داری معاصر. این بهترین دلیل است برای تغییر این احکام و فرامیم». کلاین در فصل اول کلاب نظرات و مواضع تند احزاب دست‌راستی درباره جنبش‌های سبز را شرح می‌دهد. آنها این جنبش‌ها را با کابوس‌های تقنیش عقاید کاتولیک و آلمان نازی و روسیه دوران استالین مقایسه می‌کنند و معتقدند جنبش‌های زیست‌محیطی بیش از تغییرات اقلیمی مربوط به محدودکردن سرمایه‌داری است و به نفع بازتوزیع جهانی ثروت عمل می‌کند. فصل دوم کتاب به تداخل طرح‌های به‌کارگیری انرژی‌های سبز و سیاست‌های محیط‌زیست با تفاهم‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشاره دارد. کلاین برای مثال از طرح‌های مفیدی مثل ساخت صفحات انرژی خورشیدی می‌نویسد که به‌علت مغایرت با توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی هرگز عملی نشده است. فصل سوم آمارهایی از مقاومت‌های محلی و خصوص خیرخواهانه‌بودن اهداف رئیس سابق کوکل به ذهن متبادر شود، در بسرزمینه پیام ویدیوئی او شاهد یک جفت بال طلایی‌رنگ فرشتگان بودیم. تنها یک روز قبل، فرماندار کوموِ از همکاری مشابهی با بنیاد بیل و ملیندا گیتس برای ایفاد «یک نظام آموزشی هوشمندتر» خبر داده بود. او ضمن «رویارو»ارزه»خواندن گیتس، اظهار داشت که همه‌گیری کووا «لحظه‌ای را در تاریخ اوقم ردیه است» که به‌واقع می‌توان ایده‌های این کلاس‌ها را تمامی فناوری‌های موجود، با همه این ساختمان‌ها، همه سریع‌ترشان کام برداشت...».

کرچه مدتی زمان می‌برد تا قوام بگیرد. ولی در خصوص همه‌گیری کووا چیزی شبیه به دکترین شوکی منسجم و منطقی در حال ظهور است. نامش را بگذارید «طرح نو صفحه‌نمایشی». آن‌ایدای که با تعجیل و درحالی‌که اجساد همچنان روی هم تنبار می‌شوند، قصد ایجادش را دارند و به قرنطینه فیزیکی‌ای که در هفته‌های اخیر گذراندیم به‌مثابه صورتی درد‌ناک برای نجات انسان‌ها، به‌مثزله آزمایشگاهی زنده برای ایجاد آینده‌ای غیرلمسی و دانمی - و به‌شدت خوراور- می‌نگرند؛ آینده‌ای بسیار فناورانه از هر آن چیزی که در فجایع قبلی شاهدش بوده‌ایم.

آنوجا سوناتلیر، مدیرعامل شرکتی در ایالت میرلند به نام استریتک که کارش فروش فناوری پارک اتوماتیک (self-parking) است، اخیراً در اظهاراتی کل شرایط موجود را که به خدمت ویروس جدید درآمده، این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «بعتارکی شاهد آماده‌سازی آشکاری برای [پذیرش] فناوری‌های بی‌نیاز از عامل انسانی و تماس فیزیکی بوده‌ایم. انسان‌ها خطر زیستی (biohazard) محسوب می‌شوند ولی ماشین‌ها نه».

> **تردیدی نیست که فناوری نقشی حیاتی در نحوه مراقبت از سالمنی و بهداشت جامعه در ماه‌ها و سال‌های آتی به عهده خواهد داشت. اما مسئله این است که آیا این فناوری تابع قواعد دموکراسی و نظارت دولتی خواهد بود یا آنکه دیوالوه‌ار، و همچون استثنایی بر قاعده، مطرح خواهد شد. بی‌آنکه به پرسش‌هایی بپردازیم که تا دده‌ها سال آینده در زندگی ما تاثیرگذار خواهند بود**

لبخند داد. فرماندار با آب‌توانه فراوان گفت: «ما آماده‌ایم. سرتاپا آماده‌ایم. ما نیوییورکی هستیم. بس ترسی از این بیماری نداریم. اهداف بلندی در سر داریم... می‌دانیم که تغییر نعتها در راه است، بلکه اگر درست انجام شود، به‌واقع می‌توانند منل یک دوست عمل کنند». الهام‌بخش این‌همه حس مثبت غیرمنتظره تماس ویدیوئی ارنک اشمیت (Eric Schmidt)، مدیرعامل پیشین گوکل، بود که با حضور در جلسه خبری فرماندار اعلام کرد قرار است ریاست هیئتی را عهده‌دار شود که وظیفه‌اش بازطراحی زندگی بساکوئیایی در ایالت نیوییورک است. آن‌هم با تاکید بر ادغام دانمی فناوری در تمامی جنبه‌های زندگی شهری. او سپس ادامه داد که «مهمترین اولویت‌های برنامه ما بر بهداشت از راه دور (telehealth)، آموزش از راه دور (remote learning)، و فناوری بهپاشد (broadband)، متمرکز است... ما باید به دنبال راه‌حل‌هایی باشیم که بتوانند همین حالا اراله شوند، و به‌سرعت هم به نتیجه برسند. و از فناوری برای بهبود اوضاع استفاده کنند». برای آنکه مبادا شکی در خصوص خیرخواهانه‌بودن اهداف رئیس سابق گوکل به ذهن متبادر شود، در بسرزمینه پیام ویدیوئی او شاهد یک جفت بال طلایی‌رنگ فرشتگان بودیم. تنها یک روز قبل، فرماندار کوموِ از همکاری مشابهی با بنیاد بیل و ملیندا گیتس برای ایفاد «یک نظام آموزشی هوشمندتر» خبر داده بود. او ضمن «رویارو»ارزه»خواندن گیتس، اظهار داشت که همه‌گیری کووا «لحظه‌ای را در تاریخ اوقم رده است» که به‌واقع می‌توان ایده‌های این کلاس‌ها را تمامی فناوری‌های موجود، با همه این ساختمان‌ها، همه سریع‌ترشان کام برداشت...».

کرچه مدتی زمان می‌برد تا قوام بگیرد. ولی در خصوص همه‌گیری کووا چیزی شبیه به دکترین شوکی منسجم و منطقی در حال ظهور است. نامش را بگذارید «طرح نو صفحه‌نمایشی». آن‌ایدای که با تعجیل و درحالی‌که اجساد همچنان روی هم تنبار می‌شوند، قصد ایجادش را دارند و به قرنطینه فیزیکی‌ای که در هفته‌های اخیر گذراندیم به‌مثابه صورتی درد‌ناک برای نجات انسان‌ها، به‌مثزله آزمایشگاهی زنده برای ایجاد آینده‌ای غیرلمسی و دانمی - و به‌شدت خوراور- می‌نگرند؛ آینده‌ای بسیار فناورانه از هر آن چیزی که در فجایع قبلی شاهدش بوده‌ایم.

آنوجا سوناتلیر، مدیرعامل شرکتی در ایالت میرلند به نام استریتک که کارش فروش فناوری پارک اتوماتیک (self-parking) است، اخیراً در اظهاراتی کل شرایط موجود را که به خدمت ویروس جدید درآمده، این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «بعتارکی شاهد آماده‌سازی آشکاری برای [پذیرش] فناوری‌های بی‌نیاز از عامل انسانی و تماس فیزیکی بوده‌ایم. انسان‌ها خطر زیستی (biohazard) محسوب می‌شوند ولی ماشین‌ها نه».

آنچه برایمان ترسیم می‌شود آینده‌ای است که در آن خانه‌هایمان دیگر هرگز فضاهایی منحصراً شخصی نخواهند بود. بلکه به‌واسطه ارتباط‌بافتی (connectivity) پرسرعت دیجیتالی، حکم مدرسه، مطب پزشک، سالن ورزشی، و اگر حکومت اراده کند، حتی زندانمان را نیز خواهند داشت. آنچه خانه‌های بسیاری از ما، پیش از آغاز این همه‌گیری هم، به دفاترکاری بدون تعطیلی و اعلی‌ترین مکان برای سرگرمی‌هایمان بدل شده بودند

همه اینها متعلق به گذشته‌های بسیار دوری است که به آن فوریه نیز می‌گویند». امروز، موج عظیم وحشت و هراسی که همه را فراگرفته در حال گسارندن بخش مهمی از این نگرانی‌هاست، و این کابوس‌شهر (dystopia) در بوق‌وکرنا شده درکبر تغییری شاشبازده برای تغییر نام خود است. هم‌اکنون، با پس‌زمینه‌ای دل‌خراش از مرگ‌های پرشمار، در تلاش‌اند تا این فناوری‌ها را به‌مثزله تنها روش ممکن برای حفاظت در برابر بیماری‌های همه‌گیر به ما بقبولانند. به لطف کووِ و همکاری‌های میلیاردلاری گوناگونش (از جمله با مایکل بلومبرگ برای آزمایش این فناوری‌ها) ایالت نیوییورک در حال بدل‌شدن به نمایشگاهی خوش‌رنگ‌ولعاب برای این آینده ناخوشایند است. ولی باید بدانیم که حاطفلیی‌های اینان هیچ مرزی نمی‌شناسد، و اریک اشمیت درست در مرکز همه این قبل‌قال‌هاست.

اشمیت مدت‌ها پیش از آنکه آمریکایی‌ها درکی از تهدید کووید ۱۹ داشته باشند، اقدامات جوراناه‌ای را در زمینه لابی‌گری و وجه‌سازی، درست در راستای تقویت چنم‌اندازِ جامعه‌های مسحور و مقهور فناوری و رسانه‌های اجتماعی، آغاز کرده بود؛ همان چیزی که کومو، مدتی قبل، او را مسئول ساختنش کرده بود. در بالن چنین تصوری از جامعه با ادغام بی‌وقفه دولت و تعداد انگشت‌شماری از غول‌های «سیلیکون‌ولّی»، مواجهیم - با این بی‌اَمد که مدارس دولتی، بیمارستان‌ها، مطب پزشکان، پلیس و ارتش، همه اقدام به برون‌سپاری (برهزینه) بسیاری از کارکردهای اصلی‌شان به شرکت‌های خصوصی فناوری می‌کنند. این همان چنم‌اندازی است که اشمیت صدت‌ها سرگرم تبلیغش بوده است. هم به‌عنوان رئیس «هیئت نوآوری دفاعی» که به وزارت دفاع آمریکا درباره افزایش کارب‌رد هوش مصنوعی در نیروهای نظامی کشور مشاوره می‌دهد، و هم به‌عنوان ریاست «کارگروه امنیت ملی در حوزه هوش مصنوعی» (با همان NSCAI) که مشاور کنگره است در زمینه «پیشرفت هوش مصنوعی، دستاوردهای آموزش ماشینی (machine learning) مرتبط با هوش مصنوعی و دیگر فناوری‌های مرتبط»، و هدفش باصطلاح‌کوبی به «نیازهای امنیتی در سطوح ملی و اقتصادی (و از جمله رب‌ک‌بذیری اقتصادی)» است. در ترکیب این دو گروه، شاهد انبوهی از مدیران ارشد و بانفوذ شرکت‌های مستقر در سیلیکون ولّی و مقامات عالی‌رتبه شرکت‌هایی همچون اوراکل، آمازون، مایکروسافت، فیس‌بوک، و البته همان‌گوگل سابق اشمیت در گوگل، هستیم. در مقام ریاست این دو گروه، اشمیت که هنوز مالک بیش از ۵/۳ میلیارد دلار از سهام الفابت (Alphabet) (شرکت مادر گوکول) و نیز سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در دیگر شرکت‌های فناوری است - اصل فعالیت خود را مبرکز می‌شود. چنانچه این روند ادامه یابد، اشمیت نه بنیاد از ۲۰۳۰، رقیب ما کشوری خواهد بود که اقتصادی بزرکتر، بودجه‌ای تحقیق و توسعه بیش‌تر، پژوهش‌های باکیفیت‌تر، و زیرساخت‌های محاسباتی قدرتمندتری از ما خواهد داشت، و همچنان نیروی انسانی بسا زاد و گسترده‌ویتری به کار خواهد برد... نهایتاً چینی‌ها در تلاش‌اند تا به رجیر جهان در فریبه نوآوری بدل شوند، و ایالات متحد کار درخوری انجام نمی‌دهد».

تنها راه‌حل از نظر اشمیت فوراتی از چاه بودجه عمومی بود. او در ستایش از کاخ سفید به حلظ درخواست دوبرابرشدن بودجه تحقیقات در حوزه هوش مصنوعی و علم اطلاعات می‌کوشیم می‌نویسد:

«ما در چین ایجاد ظرفیت‌های نهادین در زمینه آیالت‌گاه‌ها و مراکز پژوهشی، باید دوباره بودجه این حوزه‌ها را دوبرابر کنیم... همزمان، کنگره باید به تقاضای رئیس‌جمهور برای رسیدن به بالاترین سطح بودجه تحقیق و توسعه امور دفاعی در ۷۰ سال گذشته عامه عمل بپوشاند. و وزارت دفاع هم باید با اتکا بر افزایش منابع مالی حاصله اقدام به ایجاد ظرفیت‌های پیشرفته در حوزه‌های هوش مصنوعی، کوانتوم، فراصوت، و دیگر عرصه‌های صور فوری کند».

این سخنان دوست دو هفته پیش از اعلام همه‌گیری ویروس کووا بیان شده‌اند، و هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است که یکی از اهداف این گسترش وسیع فناوری‌های پیشرفته حفاظت از سلامت عمومی در مواجهه با همه‌گیری‌ها باشد. تنها به این بسنده شده که گسترش مذکور برای ممانعت از رسیدن فقدان چین صورت دارد. اما نیازی به گفتن نیست که این وضع قرار بود خیلی زود تغییر کند.

در دو ماهی که از این ماجرا می‌گذرد، اشمیت همه درخواست‌های قبلی‌اش را دست‌خوش تغییر عنوانی اساسی کرده‌است. درخواست‌هایی برای هزینه‌کرد کلان دولتی در حیطه پژوهش و زیرساخت‌های پیشرفته، افزایش شدید «همکاری‌های دولتی - خصوصی» در حوزه هوش مصنوعی، و تعدیل اینه فوقانی مرتبط با امر خیر خصوصی و تامین ایمنی. قرار است تمامی این اقدامات (در کنار بسیاری درخواست‌های دیگر) به عنوان تنها امید و گزینه ممکن برای حفاظت از ما در برابر ویروسی جدید، که قرار است سال‌ها هم با ما بماند، به ما قبولانده شود.

در همین ارتباط، شرکت‌های فناوری‌ای که اشمیت بـ آن‌ها دارای روابطی عمیق و پابرجاست، و اعضایشان هیئت‌های پرنفوذ مشاوره‌ای تحت ریاست اشمیت را به تسخیر خود درآورده‌اند، همگی با تغییر موضع، خود را به‌مثابه حامیان سلامت جامعه و مدافعان ساختومند کارکران درکبر در مشاغل ضرور؛ به تصویر می‌کنند (همان کارگرانی که پیش‌ساز، مانند رانندگان حمل کالا، اگر این شرکت‌ها به اهدافشان دست یابند، کار خود را از دست خواهند داد). هنوز دو هفته از قرنطینه‌شدن نیوییورک نگذشته که ریدوش اشمیت، در مقاله‌ای برای والاستریت ژورنال، هم موضوع جدید خود را مطرح کرد و هم به‌موضوع مشخص که گوکل سیلیکون ولّی، به هر طریق ممکن، خواهان بهره‌برداری از بحران کروناً برای ایجاد تغییری دانمی است.

«مثل دیگر آمریکایی‌ها، متخصصان فناوری هم در تلاش‌اند تا سهم خود را در بازی‌هایی به خطمدند واکنش به همه‌گیری ادا کنند... ولی هر شهروند آمریکایی باید از خود بپرسد که، پس از پایان همه‌گیری کووید ۱۹، مایلیم کشورمان در چه وضعیتی باشد. چگونه فناوری‌های نوظهور به‌کارگرفته‌شده در بحران کنونی می‌توانند ما را به سویی آینده‌ای بهتر رهنمون شوند؟... شرکت‌هایی مانند آمازون می‌دانند چگونه به شکلی کارآمد به نیازهای مصرف‌کنندگان پاسخ دهند. اما باید خدمات و توصیه‌های خود را در اختیار مقامات دولتی، که فاقد نظام‌های محاسباتی و تخصصی فناوری‌اند، قرار دهند. ما همچنین باید بتوانیم روند آموزش از راه دور را که امروزه بیش از هر زمان دیگری به یه توانمایی کذاشته شده، شتاب ببخشیم. در شرایط کنونی، هیچ نیازی به هم‌جواری فیزیکی نیست و همین امر اجازه می‌دهد که دانش‌آموزان، گرفتار از منطقه مسکونی‌شان، از آموزش بهترین آموزگاران بهره‌مند شوند... نیاز به آزمایش‌های سریع و وسیع‌امتیط با کرونا؛ هم سب ترسیع در انقلاب زیست‌فناوری می‌شود... و سرآخر اینکه کشور مدت‌هاست نیازمند یک زیرساخت دیجیتالی واقعی است... اگر قرار است که نظام اقتصادی و آموزشی آینده‌مان را بر اساس «همه‌جیز از راه دور» بنا کنیم، نیازمند جامعه‌ای تماماً ارتباط‌یافته و زیرساخت‌هایی قوی‌سریع هستیم. دولت باید اقدام به سرمایه‌گذاری‌های کلان کند. شاید به‌عنوان بخشی از یک بسته تشویقی - تا زیرساخت‌های دیجیتالی کشور را به پلتفرم‌های «ابری» تغییر دهد و آن‌ها را از طریق شبکه‌ی G5 که هم مرتبط سازد».

در پیامی در پیگیری این نظر، بسیار سرحنانه عمل کرده است. او دو هفته پس از انتشار مقاله فوق، در توصیف آموزش‌درخانه‌ای (home schooling) که آموزگاران و خانواده‌های سراسر کشور، به‌اجبار و به‌طور موقتی، در این وضعیت فوق‌العاده بهداشتی سرهم کرده‌اند، آن را «آزمایشی همه‌جانبه در حوزه آموزش از راه دور» می‌نامد. به گفته او، هدف این آزمایش «درک موضوع چونگونگی یادگیری بچه‌ها از راه دور بود. و بر مبنای این اطلاعات باید بتوانیم ابزار بهتری برای آموزش از راه دور بسازیم که، وقتی آموزگار هم به آن افزوده شود... به بچه‌ها در یادگیری بهتر کمک کند». او در جریان همین تماس ویدئویی که به میزبانی «باشگاه اقتصادی نیوییورک» برقرار شده بود، مجدداً خواستار افزایش امکانات برای بهداشت از راه دور، تجارت دیجیتالی، و سایر اقلام موجود در فهرست آزروهایش شد: آن‌هم به نام نامی مبارزه با کرونا. با این همه، گویاترین اظهارنظرش این بود که: «سودمندی این آزمرشکت‌ها، که عاشق بدنام کردنشان هستیم، از حیث توانایی در برقراری ارتباط، توانایی در برخورد با مسائل بهداشتی، و توانایی در گردآوری اطلاعات، قوق‌العاده است. تصور کنید زندگی‌تان در آمریکا بدون آمازون چگونه می‌شد». او همچنین اضافه می‌کند که مردم باید «کمی قدردان باشند که این شرکت‌ها سرمایه لازم را فراهم کردند. سرمایه‌گذاری‌های ضرور را انجام دادند. وسایلی که امروزه در دسترس همه ماست را ساختند، و واقعاً مشکلاتمان را حل کردند».

سخنان اشمیت بادآور این موضوع است که تا همین اواخر مخالفت عمومی با شرکت‌های بادشده روندی افزایشی داشت. نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آشکارا صحبت از تجزیه شرکت‌های بزرگ فناوری به شرکت‌هایی کوچک‌تر می‌کردند. آمازون در رویارویی با مخالفت شدید محلی، مجبور شد برنامه‌اش را برای ایجاد مرکزی در نیوییورک منتفی کند. یزدان گوکل موسوم به «پایه‌دوهای آزمایشگاهی» در بحران دانمی به سر می‌برد، و کارکنان گوکل هم از ساخت فناوری‌های نظارتی - تجسسی با استفاده از اپلیکیشن‌های نظامی خودداری می‌کردند.

خلاصه کنیم: دموکراسی - دخالت مزاحمت‌آمیز مردم در طراحی نهادها و فضاهای عمومی حساس - در حال بدل‌شدن به تنها مانع قابل‌توجه در برابر هدفی بود که اشمیت آن را دنبال می‌کرد. نخست از بلندای برج عاجش در کالیفرنیا، و در مرحله بعد به‌عنوان ریاست دوهیت پرنفوذ مشاوردهنده به کنکره و وزارت دفاع آمریکا. طبق مدارک افشاشده «کارگروه امنیت ملی...» این به‌کارگیری مزاحمت‌آمیز قدرت از سوی افراد جامعه، و نیز کارکنان آن‌شرکت‌های فناوری، از نظر کسانی مانند اشمیت و مدیرعامل آمازون، جف بیزوس (Jeff Bezos)، به طرز فکاکننده‌ای سبب کاستن‌شدن از سرعت مسابقه تسلیحاتی گوناهای شد که در حوزه هوش مصنوعی در جریان است و درنتیجه، مانعی شد در مقابل تردد انبوه خودروها و کامیون‌های خودران و بالقوه مرک‌آفرین در سطح جاده‌های کشور. از تبدیل شدن سوابق پزشکی خصوصی فراوانه به سلاحی در دست کارفرمایان گرفته تا ظهور جولاگرک نرم‌افزارهای تشخیص چهره بدل شوند، و بسیاری موارد دیگر.

حالا، در میانه قربانی‌کردن‌فرش‌های این همه‌کبری کماکان بارجها، رقبای که در عرصه‌اطمینان از آینده‌ای کـ ایـن ویروس بـ جامعـه تزریق کـرده، این شرکت‌ها فرصت را برای ایزبن‌سردن تمامی این دستاوردها مناسب می‌بینند؛ همین‌طور برای بحث همان شکلی از قدرت که رقبای چین‌شان در اختیـار دارند، رقبایی که از نعمت فعالیت بدون مزاحمت از سوی نیروی کار یا فعالان حقوق مدنی برخوردارند.

همه‌جیز با سرعتی غیرمنتظره در حال رخ‌دادن است. دولت استرالیا با آمازون برای ذخیره اطلاعات مربوط به اپلیکیشن مخاطب‌ابه‌اکثیر رد‌کبی ویروس کووا قرارداد بسته است. دولت کانادا برای حمل تجهیزات پزشکی به آمازون به توافق رسیده و همزمان به این پرسش دامن زده که چرا خدمات پست دولتی را خود رد‌زنادد. علاوه‌بر اینها، تا چند روز دیگر، در اولین ماه اپلیکیشن «طرح نو صفحه‌نمایشی»-مان، پیروز معلن شوند. آنگاه دیگر بولی برای هزینه‌کردن در اولویت‌های مبرم جامعه باقی نخواهد ماند. چه برسد به «طرح نو سبز» که سیاره‌مان به‌فوریت نیازمند آن است. البته برکسی، بهای این‌همه وسایل بزرزوبرق را به‌سوی کروهی معلمان و متفکران علم جامعه‌شناسی نمی‌دانند. پیکری از شخصیت‌های برجسته‌ای چون دوروکیم، ماریه‌کس، گافمن و ویتکنشتین تاثیر بذیرفته و تاثیرانبدیه این متفکران در آنالوی به خوبی مشهود است. کیدنز علاوه بر مباحث جامعه‌شناختی به موضوعاتی چون تاریخ اندیشه، انتوپی اجتماعی، ساختار طبقاتی، نخبگان، قدرت، ملت و ملیت‌گرایی، هویت شخصی و اجتماعی، خانواده و اندیشه‌های سیاسی عالقه دارد و در آثار خود آن‌ها را تحلیل و بررسی می‌کند. تألیفات او به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های سرتاسر جهان آموزش داده می‌شوند. کیدنز با کارهای نظری مهمی مانند نظریه ساختاریابی در زمره مهمترین نظریه‌پردازان معاصر دانسته است و در مقام مشاور سیاستمداران عمده جهان و از ایده دیدگاه‌هایی سیاسی مانند راه سوم وارج یب و راست، فعال سیاسی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. نظریه ساختاریابی او، هدف پایان دادن به سلطه نظریه‌های هرمنوتیکی از یک سو و ساختارگرایی و کارکردگرایی از سوی دیگر، به طور پیچیده‌ای به تلفیق عناصری از این رهیافت‌ها و رهیافت‌های پیشین دیگر، می‌پردازد. هدف کیدنز از به‌کارگیری اصطلاح ساختاریابی تأکید بر جریان فعال، ارادی اجتماعی و برجیز از مفهوم ساختار به معنای امری بیرونی و صف‌الاتام‌ار و است که مد نظر ساختارگرایان بود. کیدنز کتاب‌های مهم فراوانی دارد از جمله ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته (۱۹۷۵)، ساخت جامعه: خطوط کلی نظریه ساختاریابی (۱۹۸۴)، مدرنیته و هویت خود (۱۹۹۱)، تحول صمیمیت (۱۹۹۲) و جامعه‌شناسی (۱۹۸۳).

مقدمات جامعه‌شناسی
آنتونی گیدنز و فیلیپ ساتن
ترجمه: هوشنگ نایبی
ناشر: نی
قیمت: ۵۶۰۰۰ تومان

آخرین فرصت تغییر نائومی کلاین

ترجمه: مجید امینی
ناشر: ناهیتا
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

بررسی

مطالعه مردم و جامعه

انسان در دنیای امروز هم احساس آزادی می‌کند و هم احساس هیجان و سردرگمی و حتی تناقضی تمام‌عیار. دوستی‌ها و ارتباط‌ها به‌یمن نوآوری‌های بی‌شمار در رسانه‌های جدید و اینترنت و دنیای آنلاین نسبت به گذشته از بسیاری جهات سادەتر شده است ولی درعین حال، جرایم خشونت‌آمیز و تروریسم و جنگ و نابرابری اجتماعی گسترده‌ای را شاهدیم. تکنولوژی با سرعت فزاینده‌ای پیش می‌رود و فرصت‌ها و امکانات جدیدی پدید می‌آورد. اما از سوی دیگر، نگرانی نسبت به تزیرانگر حیات مدرن بر محیط طبیعی و کره‌خاک زمین و فرسایش محیط‌زیست هم افزایش می‌یابد. زندگی اکثر مردم کشورهای نسبتاً ثروتمند از لحاظ مادی بهتر می‌برند و کودکان از گرسنگی و فقدان آب سالم و امکانات اولیه زندگی جان می‌سپارند. حال در جایی که از موفقیت‌های جدید برای در اختیار گرفتن سرنوشت‌ها و ساختن زندگی بهتر برخورداریم آنچنان که در تخیل نسل‌های گذشته هم نمی‌گنجید چگونه چنین چیزی ممکن است؟ این دنیا چگونه با گرفت؟ چرا اوضاع زندگی ما از زندگی نیاکان و گذشتگان‌مان بسیار متفاوت است؟ این پرسش‌ها مسائل اصلی رشته جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسی مطالعه علمی حیات انسان و گروه‌های اجتماعی و کل جوامع و تلاشی است برای درک و شناخت این تحولات و واکنش انسان به این تحولات. موضوع جامعه‌شناسی رفتار خود ما به عنوان موجودی اجتماعی است. دامنه جامعه‌شناسی بسیار گسترده است و از تحلیل برخورد گذرای انسان‌ها در خیابان گرفته تا کندوکاو روابط بین‌المللی و تروریسم جهانی را شامل می‌شود. جامعه‌شناسی علمی است که نقشی بنیادی در حیات فکری مدرن دارد و به ما کمک می‌کند دنیا را به نحوی بهتری تبدیل کنیم. به همین دلیل جامعه‌شناسی عاملی مهم در تفکر مدرن و جامعه مدرن است و امروز دست‌کم مطالعه جامعه‌شناسی عمومی برای تنویر افکار همکان حائز اهمیت است و از دروس لازم برای همه رشته‌های دانشگاهی است. جامعه‌شناسی در میان عموم مردم نیز جا باز کرده و درس جامعه‌شناسی عمومی یا مبانی جامعه‌شناسی در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی و هنر و علوم پزشکی و مهندسی و فنی ارائه می‌شود. معمولاً اکوست کنت ۱۷۹۸-۱۸۵۷ را پدر جامعه‌شناسی می‌دانند. او واژه «جامعه‌شناسی» را در ۱۸۴۰ ابداع کرد. قبل از آن او از اصطلاح «فیزیک اجتماعی» برای وصف این رشته جدید استفاده می‌کرد. از آن رو که قصد داشت آرای خویش را از دیگران متمایز سازد اصطلاح جامعه‌شناسی را برای نامیدن رشته‌ای که می‌خواست بنیاد نهد وضع کرد. به زعم کنت کوشش انسان برای شناخت جهان به حوزه الوهیت و متافیزیکی و پوزیتیویستی را طی کرده است. تفکر در حوزه الوهیت تحت حدایت عقاید مذهبی است. در مرحله متافیزیکی که در عصر رنسانس غلبه می‌یابد جامعه به صورت طبیعی در نظر گرفته می‌شود. مرحله پوزیتیویستی که با کشفیات کوپرنیک و گالیله و نیوتون با یکی می‌گیرد موضوع به کار بردن تکنیک‌های علمی در دنیای اجتماعی است. کنت همواره با این دیدگاه، جامعه‌شناسی را آخرین علمی که بعد از فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی به منصه ظهور می‌رسد و همچنین مهم‌ترین و پیچیده‌ترین علم می‌داند. امیل دورکیم، کارل مارکس و ماکس وبر متفکران مهمی بعدی هستند که در گسترش جامعه‌شناسی نقشی مهم ایفا کردند. کتاب «مقدمات جامعه‌شناسی» آنتونی گیدنز که به تازگی به قلم هوشنگ نایبی به فارسی ترجمه شده تلاش می‌کند مقدمات عمومی جامعه‌شناسی را برای دانشجویان و مخاطبان غیرمتخصص توضیح دهد. این کتاب گزیده ۴ فصل از ۳۲ فصل ویراست هفتم کتاب «جامعه‌شناسی» گیدنز است که برخی فصل‌ها در آخرش خلاصه شده و تقریباً درگزیده مطالبی است که معمولاً اساتید دانشگاه که در پنج تخصص عنوان «مبانی جامعه‌شناسی» در دوره کارشناسی عمومی رشته‌های دانشگاهی تدریس می‌کنند. ترتیب فصل‌ها به گونه‌ای است که به اشرافی تدریجی بر حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی کمک می‌کند ولی هر فصل نسبتاً مستقل است و لزومی به خلط تسلسل فصل‌ها نیست و استادان و مدرسان به سلاحدید خود می‌توانند از ترتیبی دیگر استفاده کنند. بنابراین کتاب جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی خرد و کلان، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی، بوزیتیویسم و تکامل اجتماعی، جهانی شدن و تغییرات اجتماعی، مدرنیته، جامعه‌شناسی اقتصادی، شهر و زندگی شهری، کار و حیات اقتصادی، تعامل اجتماعی و زندگی روزمره، صورت اجتماعی و سرزندگی، جامعه و جنسیت و تحرک اجتماعی، قشربندی و طبقه اجتماعی و سازمان و شبکه اجتماعی مهمترین رئوسی هستند که گیدنز در این کتاب بررسی می‌کند. آنتونی گیدنز از جامعه‌شناسان به‌نام بریتانیایی متولد ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸ در لندن است. او تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه هال و مدرسه اقتصادی و علوم سیاسی لندن گذراند و پس از آن برای مدتی به تدریس در دانشگاه‌های اکلنتان، کانادا و آمریکا پرداخت. سپس به انگلستان بازگشت و مدرک دکتری جامعه‌شناسی را از دانشگاه کمبریج دریافت کرد. او در مطالعاتی علمی بیش از همه به دلیل نظریه ساختاریابی و نگاه کلی‌نگر به جامعه‌های مدرن شناخته می‌شود و وی را گرایی از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مفسران و متفکران علم جامعه‌شناسی نیز می‌دانند. یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای چون دورکیم، مارکس، گافمن و ویتکنشتین تاثیر بذیرفته و تاثیرانبدیه این متفکران در آنالوی به خوبی مشهود است. کیدنز علاوه بر مباحث جامعه‌شناختی به موضوعاتی چون تاریخ اندیشه، انتوپی اجتماعی، ساختار طبقاتی، نخبگان، قدرت، ملت و ملیت‌گرایی، هویت شخصی و اجتماعی، خانواده و اندیشه‌های سیاسی عالقه دارد و در آثار خود آن‌ها را تحلیل و بررسی می‌کند. تألیفات او به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های سرتاسر جهان آموزش داده می‌شوند. کیدنز با کارهای نظری مهمی مانند نظریه ساختاریابی در زمره مهمترین نظریه‌پردازان معاصر دانسته است و در مقام مشاور سیاستمداران عمده جهان و از ایده دیدگاه‌هایی سیاسی مانند راه سوم وارج یب و راست، فعال سیاسی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. مرحله ساختاریابی را در هفت پایان دادن به سلطه نظریه‌های هرمنوتیکی از یک سو و ساختارگرایی و کارکردگرایی از سوی دیگر، به طور پیچیده‌ای به تلفیق عناصری از این رهیافت‌ها و رهیافت‌های پیشین دیگر، می‌پردازد. هدف کیدنز از به‌کارگیری اصطلاح ساختاریابی تأکید بر جریان فعال، ارادی اجتماعی و برجیز از مفهوم ساختار به معنای امری بیرونی و صف‌الاتام‌ار و است که مد نظر ساختارگرایان بود. کیدنز کتاب‌های مهم فراوانی دارد از جمله ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته (۱۹۷۵)، ساخت جامعه: خطوط کلی نظریه ساختاریابی (۱۹۸۴)، مدرنیته و هویت خود (۱۹۹۱)، تحول صمیمیت (۱۹۹۲) و جامعه‌شناسی (۱۹۸۳).

مقدمات جامعه‌شناسی
آنتونی گیدنز و فیلیپ ساتن
ترجمه: هوشنگ نایبی
ناشر: نی
قیمت: ۵۶۰۰۰ تومان

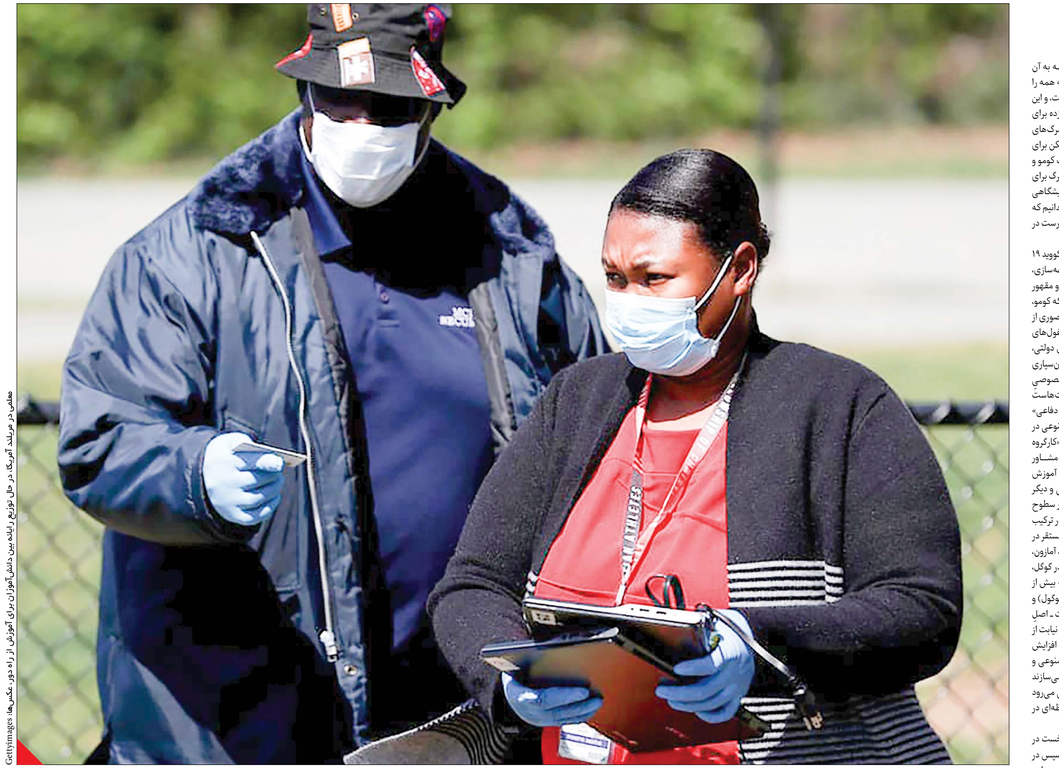

مقاصی در مراسم گرگ در حال توزیع ارایه سیب داشتن آموزان برای آموزش از راه دور، کشمیر/ Gettyimages

مقاله‌ای از نائومی کلاین

چگونه غول‌های فناوری در سودای سودبردن از این همه‌گیری‌اند

ترجمه: مجید امینی

**مقدمه مترجم: مقاله‌ای که می‌خوانید چه‌بسا این پرسش را مطرح کند که: در این وانفسای درگیری جهانی با کرونا، چرا باید به مقاله‌ای بپردازیم که به‌ظاهر درباره ایالات نیوییورک آمریکا و مسائل و مشکلات آن نوشته شده است؟ مثل بهتری برای ترجمه در دست نبود؟ با این مقدمه‌ها است از ابام فوقه» و همچون همیشه - (و این البته تحلیل جدیدی نیست) به‌هنگام بحران‌های فراگیر و به‌خصوص اقتصادی) برای دریافت بسته‌های «نجات‌ابی» به سراغ همین جامعه جهانی برای خرید خرید، و سپس با بعدی‌اش «آخرین فرصت تغییر، لبه تیزنگاه خود را وجوه ارتباط انسان - با بهتر بگوییم، جامعه سودمحور- با طبیعت، به بازیم بگوییم، زیست‌محیط جایگزین نابذیر ما کرد.